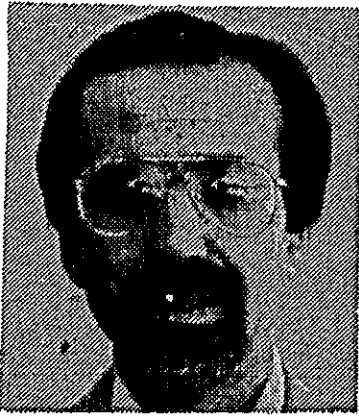


# الخاندرو کاسونا

Alejandro Casona

1903 - 1965



## ترجمه: منصور خلج

اطاق زیرشیروانی ۲۶ ۱۹۵۱، هفت نعره دریا ۲۷ ۱۹۵۲، سومین کلمه ۲۸ ۱۹۵۳، خانه‌ای با هفت بالکن ۲۹ ۱۹۵۷، نامه زن ناشناس ۳۰ ۱۹۵۷، سه الماس و یک زن ۳۱ ۱۹۶۱، آن‌سای گاتو خوش‌تیپ ۳۲ ۱۹۶۲، جنتلمنی با مهنیز طلائی ۳۳ ۱۹۶۲، کتک‌خورده و راضی ۳۴ ۱۹۶۹، افسانه کاملاً پنهان ۳۵ ۱۹۶۹، و دادخواهی از دادیار ۳۶ ۱۹۶۹.

کاسونا تا سال ۱۹۶۳ در بوئنوس آیرس اقامت داشت. آنگاه به اسپانیا بازگشت تا در کشورش به کار هنری بپردازد. در ایام اقامتش در امریکای جنوبی شماری فیلم هم ساخت از آن جمله: ناتاشای ما ۱۹۴۳ و ماری سیلست ۱۹۴۴ که بر اساس نمایشنامه‌هایی با همین نام و بقلم خود او. همچنین تعداد زیادی داستان، مقالات و متن سخنرانی‌هایش نیز قابل ذکر است.

کاسونا نیز همچون فدریکو کارسیا لورکا نمایشنامه‌نویس هموطنش در آثار خود با ظرافتی هنرمندانه به کنکاش میان فاصله عمیق رؤیاها و واقعیات پرداخت. او این توانایی در خور تحسین را داشت که فانتزی را با مضامین اجتماعی و سیاسی بیامیزد و هدفش در اصل بیدار کردن مخاطبش بود. بخصوص هموطنانش را که می‌دید چگونه جبر و ارتجاع آنها را به انزوا و سکون می‌کشاند. او با بیثباتی روانشناسانه عماداً توهمات آرامش‌بخش شخصیت‌هایش را از میان برد و آنها را به جهان واقعی مسئولیتها و تقاضاهای سوق داد. نمایشنامه‌های او همچنانکه عناوین آنها نشان می‌دهد بسیار شاعرانه هستند در عین اینکه از حال و هوایی مشخصاً اسپانیایی برخوردارند اما مفاهیمی که نمایشنامه‌های کاسونا را در بر می‌گیرد بیشتر جهانی است تا محلی. در برخی از آنها تأثیرات پیرآندلو ۵۷ را می‌توان مشاهده کرد و نیز همگی این آثار برخوردار از علائق انسانگرایانه نویسنده‌ای خلاق را با خود به‌همراه دارند.

کاسونا دو سال پس بازگشتش به اسپانیا هنگامیکه سرگرم آماده‌سازی اجرای نخستین شب نمایشنامه «سه زن متاهل کامل» بود ناگهان دچار حمله قلبی شد و برای همیشه چشم از جهان فرو بست. این اتفاق در هفدهم سپتامبر ۱۹۶۸ رخ داد.

## پانویس

- 1- Alejandro Rodriuez Alvarez
- 2- Casona
- 3- Gabino Rodriguez
- 4- Besullo
- 5- Faustina Alvarez
- 6- Gijon
- 7- Palencia
- 8- Murcia
- 9- Escuela Superior del Magisterio
- 10- The Pilgrim with the Fgowing Beard -



شیطان می‌پذیرد اما در لحظات حساس او کمک شیطان را رد می‌کند.

نمایشنامه ناتاشای ما ۳۰ ۱۹۳۵ اثری کاملاً اجتماعی و انتقادی به روش‌های آموزش و ارتجاع و بی‌تفاوتی مسئولی بر آن، این اثر سبب شده رژیم ژنرال فرانکو تشر و اجرای آثار کاسونا را ممنوع نماید.

سال بعد (۱۹۳۶) فدریکو کارسیا لورکا ۳۲ شاعر و نمایشنامه‌نویس برجسته هموطنش کاسونا برایش احترام فراوانی قائل بود توسط همان افراتپوینی که آثار او را ممنوع کرده بودند پنحوی فنجیع کشته شد کاسونا که روزهای تلخی را برای کشورش پیش‌بینی می‌کرد در سال ۱۹۳۷ اسپانیا را به مقصد فرانسه ترک کرد. بزودی در پاریس مدیریت یک تئاتر سیار را عهده‌دار شد. این تئاتر اجراهای تدارک شده را به کشورهای اسپانیایی زبان در امریکای لاتین به نمایش می‌گذاشت.

در سال ۱۹۳۹ هنگامیکه فرانسه هم در معرض تهدید و تهاجم نازیها قرار گرفت کاسونا به آرژانتین رفت و در بوئنوس آیرس مقیم شد. آنجا پیگیرانه به نوشتن نمایشنامه ادامه داد. از جمله مهمترین نمایشنامه‌هایی که در سالهای غربت نگاشت می‌توان از خودکشی در بهار مجاز نیست ۳۳ ۱۹۳۷ اثری که در آن شماری از مردان که مصمم به خودکشی بودند تصمیم می‌گیرند زنده بمانند.

گناه لرد آرتور ۳۴ ۱۹۳۸، سفوفنی ناتمام ۳۵ ۱۹۴۰، ماری کوری ۳۶ ۱۹۴۰، سه زن متاهل کامل ۳۷ ۱۹۴۱، بانوی سپیده‌دم ۳۸ ۱۹۴۴، اثری که توسط نویسنده یک شعر افسانه‌ای خوانده شده و کیفیات غنائی و رمزگونی یک افسانه شیرین را داراست. راز ماری سیلست ۳۹ ۱۹۴۴، کشتی بدون ماهیگیر ۴۰ ۱۹۴۵، زن آسیایان اهل آرکوس ۴۱ ۱۹۴۷، درختان ایستاده می‌میرند ۴۲ ۱۹۴۹، تاج عشق و مرگ ۴۳ ۱۹۵۵، اثری عاشقانه پیرامون عشق دونا اینس دوکاسترو ۴۴ و پرنس پروو از اهالی پرتغال ۴۵ (این اثر با نام اینس دوکاسترو نیز مشهور است)، کلید

الخاندرو رودریگز آلوارز شاعر و نمایشنامه‌نویس اسپانیایی که بعدها نام مستعار کاسونا را برای خود برگزید سومین فرزند از پنج فرزند گابینو رودریگز آموزگار با قریحه‌ای بود که در بیست و سوم مارس ۱۹۰۳ در دهکده اتریشی پسلو ۴ دیده به جهان گشود. مادرش فاستینا آلوارز ۵ نیز زن باحساسی بود که به حرفه آموزگاری اشتغال داشت و از آنجا که والدین او هر دو فرهنگی بودند بسیار مشتاق بودند تا شرایطی فراهم آوردند که فرزندانشان هم در این حرفه به جامعه خود خدمت کنند و برای نیل به این مقصود از هیچ کوششی فروگذار نبودند. دوران تحصیل ابتدایی و متوسطه الخاندرو در شهرهای کیخون ۶ والنسیا گذشت و آنگاه موفق گردید مدرک لیسانس را از دانشگاه مورسیا ۸ بگیرد.

در سال ۱۹۲۲ مشکلات مالی او را مجبور به انتقال به کالج «سایریردل مجیستریو» ۹ که یک مؤسسه آموزشی در مادرید بود کرد. با اینحال پسال ۱۹۲۶ از این مؤسسه فارغ‌التحصیل شد. همان سال نخستین بنجموعه شعر او با نام زائری با ریش موج ۱۰ انتشار یافت.

در سال ۱۹۲۸ کاسونا و همسرش روزالیا مارتین ۱۱ توسط حکومت وقت به «وال دو آران» ۱۲ ناحیه‌ای در پیرنه ۱۳ تبعید شدند. در آنجا به عنوان مدیر یک مدرسه ابتدایی خدمت کرد.

طی دو سالی که او در این ناحیه اقامت داشت یک کتاب شعر تحت عنوان فلوت و ژانگ ۱۴ را منتشر کرد و یک گروه تئاتر کودکان با نام پرلده رنگی ۱۵ را تأسیس نمود. نمایشنامه پری دریایی مطرود ۱۶، فانتزی زیبای کاسونا در سال ۱۹۲۹ نگاشته شد. این اثر در سال ۱۹۳۴ موفق به دریافت جایزه لوبه دووگا ۱۷ شد و اجرای آن در مادرید با موفقیت بسیار مواجه شد. ماجرای این نمایشنامه عجیب و در عین حال دلنشین است. یک مرد ثروتمند جوان چندین مرد دیگر را که عقاید کاملاً متفاوتی دارند در یک خانه جن‌زده دعوت می‌نماید تا ایده‌هایش را برای برپایی یک جمهوری متشکل از افرادی که هیچ وجه مشترکی با یکدیگر ندارند بازگو کنند. هنگامی که او در انتظار سامی ۱۸ دلفک پیر است، یک دختر زیبا و عجیب ظاهر می‌ود و ادعا می‌کند که نامش سیرنا ۱۹ است و یک پری دریایی است. ریکاردو ۲۰ شیفته این دختر می‌شود. بالاخره سامی از راه می‌رسد و برای ریکاردو توضیح می‌دهد که این دختر ماریا ۲۱ دختر اوست که سلامت عقلانی خود را از دست داده است.

ریکاردو پزشکی را می‌گمارد تا دختر را مداوا کند. دکتر دون فلورین ۲۲ با مراقبت‌های خود و با مجبور کردن فاربا به مواجهه با واقعیات سخت به خصوصی از گذشته‌اش او را به سلامت عقلانی باز می‌گرداند.

سرانجام ریکاردو درمی‌یابد که می‌تواند ماریا را به همان اندازه که سیرنا را دوست داشت دوست بدارد و نمایش با پایان خوش خاتمه می‌یابد.

در سال ۱۹۳۰ کاسونا مدیر مدرسه ابتدایی لئون ۲۳ شد و در ۱۹۳۱ در امتحان تعیین مدیر مدارس مادرید برنده شد، در همان سال او به مدیریت تئاتر دل‌پوبلو ۲۴ انتخاب شد. این تئاتر درصدد بود طرح گسترش فرهنگ میان مردم روستائی را به اجرا درآورد، او علاوه بر سازماندهی و برنامه‌ریزی برای این تئاتر و نیز تنظیم نمایشنامه‌هایی برای گروههای سیار، سه نمایشنامه تک پرده نیز نگاشت تحت عنوان: میان پرده افلیجی ۲۵ که با یک زن سلیطه ازدواج کرده، سانچو پانزا ۲۶ در جزیره پاراتاریا که قطعاتی از دون‌کیشوت را به نمایش درآورد. و شعر افسانه‌ای آتارول ۲۷، اقتباسی از هاینه ۲۸.

در سال ۱۹۳۵ اثر فانتزی دیگری از وی بنام دوباره شیطان ۲۹ تألیف ۱۹۲۷، اجرا ۱۹۳۵ با تحسین منتقدین روبرو شد، در این اثر فانتزی، اخلاقی، مرد جوانی از شیطان استمداد می‌طلبد تا در عشق او را به پیروزی برساند.



## تئاتر مدرن: شیفته علم الاساطیر

■ همایون علی آبادی

نمایشنامه «سوگواری برالکترامی برآورد» یا «سوگواری الکتریک را سزاست» [ Mourning Becomes Electre ] ایسین در امپراطور گالیلئان ژان کوکود در ماشین جهنمی، سارتر در مگس‌ها و بسیاری دیگر از نویسندگان در آثار خود از اساطیر کلاسیک سود جستند. مشهورترین مثال رمان «اولیس» اثر جیمز جویس است. اما سارتر درباره این گونه روی‌آوری‌های ادبی و نمایشی نقطه‌نظری تکرار دارد. «تئاتر عظمت خود را از وظایف اجتماعی و تاحدی مذهبی آن می‌گیرد در نتیجه باید به صورت آئین و مراسم باقی بماند». بدین‌گونه سارتر می‌خواهد تئاتر را به سرچشمه اصلی آن یعنی مراسم اولیه و ابتدایی روزگار باستان پیوند دهد. سارتر می‌گوید «تئاتر باید پدیده‌ای بزرگ - جمعی و مذهبی باشد نمایشنامه‌نویس باید تمام عناصر جدا از هم را در صحنه تماشاخانه یکی سازد و در زوایای روح تماشاگران چیزهایی را که تمام مردم یک عصر و یک اجتماع بدانها اهمیت می‌دهند زنده کند». در برابر این نظریات گروهی دیگر از شارحان و ناقدان را اعتقاد بر این است که اقبال و روی‌آوری درام‌نویسان معاصر به آثار کلاسیک غالباً با تحریف توانان بوده است. اما یک جستجوی درون‌مایه‌ای نمایشگر این نکته است که اصل وفاداری و امانت به این‌گونه آثار غالباً در ادبیات معاصر رعایت شده است. اما طرفی که نویسنده برمی‌بندد کدام است؟ به نظر ما مهمترین نکته در از بین بردن و نابودی تمام فضاهای پرهیت اساطیری است و این نه تنها در محتوا که از نظر ساختار نمایش هم قابل بررسی است. در آثار مدرن فضاهای آسمانی و غیرزمینی به حال و هوایی زمینی و اینجایی و اکنونی بدل می‌گردند همسرایان و سرآهنگ که در تئاتر یونان وظایفی مهم و حیاتی برعهده دارند به یک دو ناقل و ناظر بی‌طرف می‌جویند. و به روی هم پیشینه مدرن بدون دستبرد به مفاهیم متن می‌کوشد تا تراژدی را با آن هیمنه و عظمت به اثری قابل درک و تفاهم برای تماشاگران و نکته اصلی دیگر در بررسی‌های روانکاوانه درام‌نویس مدرن مطرح است.

ادبیات کلاسیک یونان و روم در شمار منابع جاودانه ادبیات نمایشی مدرن بوده است. آثار کلاسیک دارای چنان ظرفیت و محتوای غنی و گویا هستند که نویسندگان معاصر همواره با وفاداری و حفظ و صیانت مفاهیم اصلی این گونه آثار، بدانها روی آورده‌اند علم‌الاساطیر [ میتولوژی ] نشان می‌دهد که آثار کلاسیک به عنوان جان‌مایه‌های مذهبی و اسطوره‌ای همیشه برای انسان امروز قابل طرح و تدقیق و مذاقه بوده‌اند. اما باید دید که نویسنده معاصر از این برگرفتن‌ها و اقتباس‌ها چه طرفی برمی‌بندد؟ نخست اینکه ادبیات یونان باستان ادبیاتی است خلاق، آفرینشگرانه و پربار و بارآور. مفاهیمی که در این جا مطرح می‌گردند پر از تازگی‌های اخلاقی، مذهبی و اساطیری است. چنانکه ارسطو در «هنر شاعری» [ پویتیقا ] تراژدی را دارای نتایج و استنتاج‌های روانی می‌انگارد و تزکیه و پالایش نفس [ کاتارسیس ] را از تبعات تراژدی معرفی می‌کند. به جز نویسندگان مدرن، حتی ویلیام شکسپیر هم از همین مقلم و منبع الهام‌هایی جادویی برگرفته است. به گفته برتولت برشت، ویلیام شکسپیر بیش از دو سوم آثارش را از نمایشنامه‌های «سنا» درام‌نویس سرشناس رومی پیش از میلاد مسیح، اقتباس کرده است. نکته مهمی که در این‌گونه آثار مطرح است مسئله «سرنوشت» و «تقدیرگرایی». آثار کلاسیک است. یونان باستان در سده‌های پیش از تولد حضرت مسیح در فضاهایی مملو از اسطوره و افسانه و رب‌النوع‌های بشری مغرور و مستغرق بوده است. یونانیان برای تمام مظاهر طبیعی و بشری یک «اسطوره» ساخته بودند و نمایش هم طبعاً نمایش به درگاه این اساطیر بود. مثلاً «پاکوس» یا «دیونیزوس» که هر دو اساطیر شراب بوده‌اند. بنابراین ارزش‌های دراماتیک آثار بزرگانی چون اورپید، سوفوکل، ایشیل، سنا، پلوتوس، ترنس و دیگران نه در طرح و تحبیب و منقبت مسائل علم‌الاساطیری که در مفاهیم والای اخلاقی و تاریخی آنها نهفته است.

استفاده از اساطیر در رمان و نمایشنامه یکی از ویژگی‌های جالب ادبیات قرن بیستم است. یوجین اونیل در

- 11- Rosalia Martin
- 12- Valla de Aran
- 13- pyrenees
- 14- The Flute of the toad
- 15- painted Bird
- 16- The Siren Castaway
- 17- Lope de vaga

لوه دووگا نمایشنامه‌نویس اسپانیایی ۱۶۳۵ - ۱۵۶۲ م

- 18- Samy
- 19- Sirend
- 20- Ricardo
- 21- Maria
- 22- Don Floria
- 23- Leon
- 24- Theatro del pueblo
- 25- Interlude of the Cripple who Married a Fierce woman
- 26- Sancho panza on the Isgand of Barataria
- 27- the Ballad of Atta troll
- 28- Heine
- 29- The devil Again
- 30- Our Natacha
- 31- Franco

هاینه از بزرگترین شاعران آلمان ۱۸۵۷ - ۱۷۹۷ م

- 32- Federico Garcia Lorca
  - 33- No Suicide Allowed in Spring
  - 34- The Crime of Lord Arthur
  - 35- Unfinished Symphony
  - 36- Marie Curie
  - 37- The three perfect Married women
  - 38- The fady of the Dawn
  - 39- The Mystery of the Mary celeste
  - 40- The Boat without a Fisherman
  - 41- The wife of the Miller of Arcos
  - 42- The Trees Die Stand Ting
- درختان ایستاده می‌میرند اثر کاسونا ترجمه باهره راسخ، تهران، انتشارات جوانه ۱۳۴۷ م

- 43- The Crown of Love and Death
- 44- Dond Ines de Castro
- 45- Prince Pedro
- 46- The Key in the foft
- 47- Seven Cries in The sea
- 48- The Third word
- 49- The House with seven Balconies
- 50- Letter of an UnKnown woman
- 51- Three Diamonds and a woman
- 52- The Handsome Mr. Gato
- 53- The Gentlemen with the Gold spurs
- 54- Farce of the thashed CucKold

کنک خورده و راضی ترجمه دکتر حسن هنرمندی، انتشارات رز، ۱۳۵۰

- 55- Little Fable of the well - Kept. Secret.
  - 56- Farce and justice of the Magistrate
  - 57- Luigi pirandello
- لوئیجی پیراندلو نمایشنامه‌نویس ایتالیایی ۱۹۳۶ - ۱۸۶۷ م

منابع

World Drama , McGraw - Hill Encyclopedia , VOL 1